

رباط عاشق

استانتون ایده ساخت يك فيلم را در ذهنش داشت (البته در آن موقع هنوز هیچ داستانی در ذهن نداشت...



استانتون ایده ساخت يك فيلم را در ذهنش داشت (البته در آن موقع هنوز هیچ داستانی در ذهن نداشت و همه چیز فقط در حد يك ایده بود)؛ ایده او این بود که نسل بشر کره زمین را ترك کند و برای ادامه زندگی به يك نقطه دیگر در فضا نقل مکان کند، ولي يك ربات کوچولو را جا بگذارد و آن ربات هم کار خود را صادقانه انجام بدهد؛ چرا؟ چون چون يك نفر فراموش کرده که دکمه خاموش آن را بزند.

حالا پس از گذشت 14 سال آن ایده در قالب يك فيلم انیمیشن به نام «وال - ئي (Wall-E)؛ در سالن‌هاي سینما نمایش داده مي‌شود. استانتون 42 ساله در ساخت بیشتر انیمیشن‌هاي پیکسار دست داشته، ولي «وال - ئي؛ تازه دومین فيلم او در مقام کارگردان است. اولین تجربه کارگردانی او، در سال 2003 به نام «در جستجوی نیمو؛ جایزه اسکار بهترین فيلم انیمیشن را برایش به ارمغان آورد.

وال - ئي داستانی عاشقانه دارد؛ عشق بین دو شیء بی‌جان. شخصیت اصلی فيلم همان «روبات کوچولوي جا مانده؛ است. وظیفه روزانه این ربات جمع‌آوری زباله‌ها، فشرده کردن و قرار دادن آنها در تل‌هاي مرتب و منظمی از زباله‌ها است، انسان‌هایی که 700 سال پیش او را روی کره زمین جا گذاشتند و حالا در يك ایستگاه فضایی در کهکشان راه شیری به سر می‌برند و منتظر هستند تا زمین يك بار دیگر قابل سکونت شود. وال ئي در میان این زباله‌ها چیزهایی می‌یابد و از طریق آنها به افکار و احساسات انسان‌ها پی می‌برد. ولي موثرترین چیزی که او در میان زباله‌ها پیدا می‌کند، يك نوار VHS از فيلم Hello Dolly است؛ او بی‌وقفه این فيلم را تماشا می‌کند و با تماشای آن چیزهایی درباره عشق و تنهایی یاد می‌گیرد.

در ادامه داستان سر و کله يك ربات «مونث؛ با نام مناسب «Eve (EVE در زبان انگلیسی به معنای کره‌زمین پیدا کند تا معلوم شود که آیا زمین بار دیگر قابل زندگی شده یا نه؟ در این بین، انسان‌ها که در ایستگاه فضایی زندگی می‌کنند، چاق و تنبل و نامنجم شده‌اند؛ آنها قربانیان «مصرف‌گرایی؛ خود هستند که در واقع توسط ماشین‌ها و ربات‌هایی محصول تکنولوژی پیشرفته که دور و برشان را احاطه کرده‌اند، بلعیده شده‌اند. آیا ربات قهرمان ما می‌تواند انسان‌ها را نجات بدهد و در عین حال به «دختر؛ مورد علاقه‌اش برسد؟